



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر
فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال یازدهم، شماره‌ی ۳۵
پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۲۰۸-۱۸۵

علی غریبه^۱

حق گردشگری و حقوق عمومی گردشگران خارجی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۰۲/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۹/۲۰

چکیده

توسعه صنعت گردشگری در هر کشوری بستگی کامل به تأمین زیرساخت‌های اساسی آن مانند هر صنعت دیگر دارد. یکی از بنیادی‌ترین اصول آن، شناختن حق گردشگری به انسان از جمله گردشگران خارجی می‌باشد. امروزه، این حق به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناخته شده و برخورداری از این حق در حقوق داخلی و نیز اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است.

به علاوه لازمه اجرای حق گردشگری، شناسایی حقوق مهمه دیگری تحت عنوان حقوق و آزادی‌های اساسی بشری است زیرا هر گاه انسان از حق گردشگری به عنوان یک حق فطری برخوردار باشد ولی اجازه ورود و اقامت در کشور دیگر نداشته باشد و جان و مال او در

Email: garibeh@azarbar.org

۱- استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

کشور محل اقامت در امان نباشد و در صورت تعرض به جان و مال او، اجازه مراجعه به دادگاه‌های آن کشور و دفاع از حق خود نداشته باشد حق گردشگری بی‌معنا خواهد بود. به این دلایل است که در هر کشوری در جهت شناسایی و تأمین این حقوق اساسی مقررات ویژه‌ای به تصویب می‌رسد و در کشور ما نیز این حقوق و آزادی‌ها تا آنجا که لازمه شخصیت یک انسان است برای گردشگران خارجی به رسمیت شناخته شده است.

کلید واژه‌ها: گردشگر، حق گردشگری، آزادی‌های اساسی گردشگران، مبانی حق گردشگری.

مقدمه

گردشگری در قرن حاضر به عنوان یک صنعت مهم، نقش اساسی در توسعه و پایداری صلح در جهان دارد. همین‌طور به عنوان شاخص عمده امنیت در کشورهای مختلف مطرح است، به نحوی که چنانچه درجه امنیت در یک کشور هر چه قدر بالا باشد به همان اندازه توسعه همه جانبه آن کشور آسان‌تر خواهد بود مثلاً هر گاه امنیت کشوری از درجه مطلوب برخوردار بوده و قابل اطمینان باشد، سرمایه‌گذاری خارجی از رشد بیشتری برخوردار خواهد شد و اقتصاد آن کشور رونق یافته و به تبع آن اشتغال‌زایی افزایش یافته و جامعه از سلامت بیشتری برخوردار خواهد شد. پس می‌توان ادعا کرد که امروز گردشگری قوی‌ترین موتور رشد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بشری محسوب می‌شود.

بر اساس همین اهمیت است که ضرورت تدوین مقررات جامع، منسجم و نوینی به ویژه با توجه به گسترش روزافزون گردشگری، انتظارات بالای گردشگران و ضرورت حمایت از آنها آشکارتر می‌گردد و آنچه در این میان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به عنوان مبنای همه مسائل گردشگری جلوه می‌کند، ساختن حقی به عنوان «حق گردشگری» برای همه انسان‌ها و حقوق و آزادی‌های لازمه ذات و شخصیت انسان است. زیرا مادام که گردشگری به عنوان یک حق به رسمیت شناخته نشود و شخصیت انسانی گردشگر و حقوق و آزادی‌هایی که لازمه آن است، نادیده گرفته شود، از گردشگری چیزی جز یک عنوان شیک در عمل باقی نمی‌ماند. از

این رو است که در این مقاله درصد تبیین حق گردشگری و حقوق و آزادی‌های عمومی گردشگران خارجی برآمدیم که به شرح زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف) مفهوم و مبانی حق گردشگری

ابتدا باید مفهوم حق گردشگری و سپس مبانی و دلایل آن حق به طور علیحده مورد بررسی قرار بگیرد.

نخست - مفهوم حق گردشگری

ارائه مفهوم حق گردشگری بستگی به تعیین مفهوم گردشگری دارد، از گردشگری تعاریف مختلفی ارائه شده است ولی به نظر می‌رسد که دقیق‌ترین تعریف از گردشگری توسط سازمان جهانی جهانگردی ارائه شده است او معتقد است: «گردشگر یا توریست کسی است که به کشور یا شهری غیر از محیط زیست عادی خود برای مدتی که کمتر از ۲۴ ساعت و بیشتر از یک سال نباشد سفر کند و قصد او از سفر تفریح، استراحت، ورزش، دیدار اقوام و دوستان، کسب و کار، مأموریت، شرکت در سمینار یا کنفرانس، معالجه، مطالعه و تحقیق یا فعالیت‌های مذهبی باشد».

پس مطابق این تعریف گردشگری به هر مسافرتی اطلاق می‌شود که بیشتر از ۲۴ ساعت و کمتر از یک سال باشد و فرقی نمی‌کند که مسافرت در داخل یک کشور، از شهری به شهر دیگر و یا به خارج از یک کشور باشد.

لازم به ذکر است که ماهیت گردشگری در هر جامعه‌ای نتیجه و محصول عوامل وابسته و به هم پیچیده اقتصادی، سیاسی و همچنین مشخصه‌های ویژه جغرافیایی و انواع تفریحاتی است که خارجی‌ها را به خود جلب می‌کند (مایکل هال، ۱۳۷۷: ۱۱).

بنابراین حق گردشگری به توانایی و صلاحیت انسان به ترک اقامتگاه عادی و رفتن به شهر یا کشور دیگر و با اغراض مشروع مانند تفریح، ورزش، مطالعه و غیره اطلاق می‌شود این توانایی و صلاحیت لازمه ذات انسان بوده و جزء لاینفک او محسوب می‌شود و از این جهت در هر

جامعه‌ای این امتیاز یا حق مسافرت به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر در کنار سایر حقوق اساسی مانند حق حیات و حق آزادی برای او به رسمیت شناخته شده است.

دوم- مبانی حق گردشگری

حق گردشگری همانند سایر حقوق اساسی بشر از مبانی استوار متعددی برخوردار است و لزوم شناسایی آنرا در هر جامعه‌ای مبرهن می‌سازد که به اختصار تعدادی از این مبانی در زیر مورد ذکر قرار می‌گیرد:

الف) قرآن کریم: در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که می‌توان حق گردشگری را از آنها استنباط کرد از جمله می‌فرماید: «اوست خدایی که خلق کرد برای شما همه موجوداتی که در روی زمین است پس از آن نظر گماشت به خلقت آسمان و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او بر هر چیز داناست» (سوره بقره، آیه ۲۹).

و نیز می‌فرماید: «در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید چگونه عاقبت هلاک شدند آنان که وعده‌های خدا را تکذیب کردند» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۷).

همین‌طور می‌فرماید: «بگو در روی زمین سیر کنید تا بنگرید عاقبت کار بدکاران به کجا کشید». (سوره النحل، آیه ۶۹).

همچنین می‌فرماید: «چرا در روی زمین سیر نمی‌کنند تا دارای قلب‌هایی باشند که با آنها تعقل کنند و گوش‌هایی که با آنها بشنوند زیرا چشم‌ها نابینا نمی‌شوند لکن قلب‌هایی که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند». (سوره حج آیه ۴۶).

از آیات بالا و همچنین از دیگر آیات می‌توان استنباط کرد که گردشگری حقی برای انسان‌هاست چرا که خداوند متعال در این آیات به سیر و سیاحت تأکید کرده و حتی در مواردی دستور به سیاحت داده است و روشن است که لازمه انجام این دستور برخورداری از حق سیاحت است یعنی ابتدا انسان باید دارای حق سیاحت باشد و سپس بتواند با استفاده از آن حق به دستور خداوند برای سیاحت کردن عمل بکند.

ب) اطلاعاتیها و قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان جهانی جهانگردی: سازمان جهانی جهانگردی در مورد حق مسافرت، اطلاعاتیها و قطعنامه‌های متعددی صادر کرده است. مثلاً در سال ۱۹۸۰ در مانیل پایتخت فیلیپین اطلاعاتی‌ای صادر شده که تأکید آن این است که گردشگری از جمله فعالیت‌های اساسی زندگی ملت‌ها بوده و توسعه آن در گرو آزادی سفر است.

همچنین در قطعنامه A/RES/3/7 (X) سازمان جهانی جهانگردی که در بالی اندونزی در اکتبر ۱۹۹۳ به تصویب رسیده، آمده است: «کارشناسان اعتقاد دارند که حق برخورداری از توان سفر با ایمنی کامل برای تمام اتباع کشورهای جهان، یکی از حقوق اساسی بشر است، هر گونه حمله و تهدیدی را که به این حق اساسی برای سفر لطمه زند محکوم می‌کنیم و حمایت خود را از کلیه کشورها و افرادی که از ناحیه جرایم و ارعابی که متوجه مسافرها و گردشگران است، لطمه دیده‌اند اعلام می‌داریم» (امور بین‌الملل معاونت سیاحتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶: ۳۰).

همچنین بیانیه‌ای در امان پایتخت اردن در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان «صلح از طریق جهانگردی» صادر شده است که در آن به حق مسافرت اشاره شده است که عبارت است از اینکه حق مسافرت حقی است همگانی که همه افراد باید بدون هر گونه قید و شرط بی‌مورد از آن بهره‌مند باشند. این بیانیه در تاریخ پنجم مهر ماه ۱۳۸۰ در تهران به تصویب رسید (دفتر امور بین‌الملل سازمان ایرانگردی و جهانگردی، ۱۳۸۰: ۸۳).

ملاحظه می‌شود که در بیانیه و قطعنامه‌های فوق حق گردشگری به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر شناسایی و به رسمیت شناخته شده است. بیانیه امان حقوق گردشگری را با صراحت بیشتری مورد شناسایی قرار داده است و به جهت اینکه این بیانیه به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران نیز رسیده است می‌توان از آن به عنوان یک از مبانی حق گردشگری در ایران نام برد.

ج) اعلامیه جهانی حقوق بشر: اعلامیه جهانی حقوق بشر که تقریباً همه کشورها آن را پذیرفته‌اند مهم‌ترین مبانی بین‌المللی حق گردشگری محسوب می‌شود زیرا ماده ۱۳ آن مقرر

می‌دارد: «۱- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید. ۲- هر کس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود باز گردد».

از مفهوم «آزادی عبور و مرور در داخل هر کشور» می‌توان استنباط کرد که هر کس (حتی خارجیان) حق دارند آزادانه در داخل ایران عبور و مرور کنند و این آزادی عبور و مرور ایجاب می‌کند که فردی که چنین حقی را دارد بایستی از حق گردشگری نیز برخوردار باشد در غیر این صورت آزادی عبور و مرور مفهومی نخواهد داشت.

د) اصل آزادی: یکی دیگر از دلایل و مبانی حق گردشگری اصل آزادی است، انسان آزاد آفریده شده است و هیچ کس حق ندارد این آزادی را از انسان سلب کند و هر کس باید به آزادی دیگران احترام بگذارد.

«آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را بکار اندازند، مشروط بر اینکه آسیبی و یا زیانی به دیگران وارد نسازند. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

پس طبق مفهوم آزادی حق گردشگری افراد جزئی از آزادی آنها محسوب می‌شود و احترام به حق گردشگری همان احترام به حق آزادی افراد است.

سوم- تعارض حق گردشگری با حاکمیت دولت‌ها

حاکمیت دولت‌ها (کشورها) که جنبه ذاتی دارد (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۱۵۹) و کشور - دولت بدون اقتدار بی‌مفهوم است این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا حق گردشگری با آن در تعارض است؟ حاکمیت که عبارت از قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق اراده‌های دیگر است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۸: ۲۰) چگونه با حق گردشگری که عبارت از آزادی انسان‌ها در تعیین اقامتگاه خود و ترک کشور و برگشت به کشور به جهات و اغراض گوناگون است، سازگار می‌باشد.

باید گفت هر چند که حاکمیت دولت‌ها ذاتی است و در روابط کشورها هیچ حاکمیتی بالاتر از حاکمیت دولت‌ها وجود ندارد ولی آنها به جهت منافع خود با قبول تعهداتی حاکمیت خود را

محدود می‌سازند. یعنی هر کشوری از استقلال برخوردار است و هر قواعد و مقرراتی که بخواهد قبول می‌کند و خود را در رابطه با کشور یا سازمانی و یا اشخاص محدود می‌کند. به عبارتی با توجه به اینکه قدرت دولت برتر است و از استقلال هم برخوردار است تنها او می‌تواند مطابق اراده خود قدرت خویش را محدود سازد و به جهت فقدان قدرت فوق دولت‌ها، هیچ محدودیتی را از بیرون نمی‌پذیرد (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۷۸: ۷۷).

در خصوص علت ایجاد محدودیت، نظرات متفاوتی ابراز گردیده است. برخی در این مورد به منافع کشورها استناد می‌کنند و معتقدند که دولت‌ها منافع خود را در آن می‌بینند که با قبول تعهداتی خود را محدود کند و بعضی نیز بر این نظرند که دولت‌ها متعلق به جامعه بین‌المللی هستند و عملکرد این جامعه ایجاب می‌کند که کشوری جهت حفظ جایگاه خود و همچنین جهت کسب جایگاه برتر در جامعه جهانی نظر اعضای جامعه جهانی را نسبت به خود مثبت نگهدارد و بر همین اساس اقدام به خود محدودسازی در صحنه داخلی و حتی بین‌المللی می‌کند (ضیایی‌بیگدلی، ۱۳۷۸: ۸۳).

امروزه حاکمیت به طور روزافزون از جنبه‌های مختلف مورد چالش قرار گرفته است و عوامل و نیروهای مختلفی به سادگی در مرزها نفوذ می‌کند مثلاً شناسایی حق گردشگری دیدگاه‌های قبلی دولت‌های حاکم مستقل را که در کنترل کامل مرزهای خود قرار دارند زیر سوال برده است و یا اینکه حمایت بین‌المللی از حقوق بشر موجب شده است که اصل عدم مداخله در امور کشورها کم رنگ‌تر شده و حاکمیت کشورها مخدوش شود.

بنابراین ظاهراً حق گردشگری با حاکمیت تعارض دارد ولی این تعارض به معنای واقعی و حقیقی نیست چرا که دولت‌ها در واقع خود در شناسایی حق گردشگری اعمال حاکمیت کرده‌اند و این اعمال حاکمیت نمی‌تواند تعارض با حاکمیت تلقی شود. در واقع دولت‌ها حاکمیت را عموماً در جهت منافع خود اعمال می‌کنند پس شناسایی حق گردشگری توسط دولت‌ها در جهت منافع دولت‌هاست.

ب) حقوق عمومی گردشگران خارجی

حقوق و آزادی‌های عمومی همان حقوق فطری یا طبیعی انسان‌هاست. این حقوق و آزادی‌ها با طبیعت و سرشت آدمی ملازمه دارد و بشریت به خاطر انسان بودن از آن برخوردارند و از این جهت فرقی بین تبعه و بیگانه وجود ندارد که از مهم‌ترین مشخصه چنین حقوق و آزادی‌ها غیرقابل انتقال بودن، شامل همه انسان‌ها بودن و غیر قابل تغییر بودن است.

این‌گونه حقوق و آزادی‌ها تا قرن هیجدهم تنها در حد اعتقادات مذهبی و اخلاقی رشد کرده بود اما از قرن هیجدهم به بعد به تدریج و از طریق دو انقلاب عمده استقلال امریکا و انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه نضج و گسترش یافت و در بین افراد جامعه مطرح شد (توکلی طبسی، ۱۳۸۳: ۱۱) و در پی آن به قوانین کشورها رسوخ کرد و امروزه در قانون اساسی اکثر کشورها مطالبی در این خصوص مورد ذکر واقع شده است. این حقوق و آزادی‌ها با توجه به درجه توسعه‌یافتگی کشورها متغیر است یعنی کشوری که توسعه یافته است حقوق و آزادی‌های بیشتری را شناسایی کرده است. بعلاوه این حقوق به هیچ عنوان حصری نبوده و روز به روز با رشد افکار عمومی جهان بردامنه آنها افزوده می‌شود (Boven, 1988:45).

اهمیت حقوق بشر و ارتباط آن با صلح و امنیت بین‌المللی سبب شد که منشور سازمان ملل متحد در بیش از ۶ ماده خود از جمله بند پ ماده ۵۵ به حقوق بشر اشاره کرده و دولت‌ها را به همکاری با سازمان ملل متحد جهت حمایت از آن حقوق متعهد بدانند.

البته هر چند در خصوص الزام‌آور بودن این تعهد بین حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد و برخی همکاری کشورها با سازمان ملل متحد را در نیل به هدف مزبور یعنی تأمین آزادی‌های اساسی بشر یک تکلیف می‌دانند (Brownlie, 1990: 510) و بعضی نیز هدف تدوین کنندگان منشور را صرفاً ارشاد دولت‌ها در اجرای حقوق بشر دانسته و معتقد به تحمیل تعهدات حقوقی به آنها نیستند (Hudson, 1983: 543) ولی آنچه امروزه حائز اهمیت است این است که حقوق بشر صرفنظر از اسناد بین‌المللی و معاهدات پیش‌بینی کننده آنها، جنبه عرفی به خود گرفته‌اند (Wallace, 1988: 175) و کشورها حقوق و آزادی‌های اساسی بشر را در کشورشان

بر مبنای عرف بین‌المللی که خود را ملزم به آن می‌دانند مورد شناسایی قرار می‌دهند و سعی می‌کنند که یک باب از قانون اساسی خود را به این حقوق اختصاص بدهند. با تدوین قانون اساسی در کشورها در مورد حقوق فردی و آزادی‌های عمومی نظریات مختلفی ارائه شده است که ابتدا به بررسی دیدگاه‌های مزبور و سپس تعیین مصادیق مهم این حقوق و آزادی‌ها می‌پردازیم.

نخست: دیدگاه‌های مختلف در مورد تدوین حقوق و آزادی‌های عمومی

در خصوص اهداف تدوین حقوق و آزادی‌های عمومی در قانون اساسی کشورها، نظریات مختلفی مطرح گردیده که در زیر به اختصار آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) نظریه محدودیت: بر اساس این نظریه علت اصلی و اساسی اینکه چرا در زمینه حقوق و آزادی‌های عمومی اصول و موادی تدوین می‌شود این است که ممکن است دولت‌ها با ماهیت توسعه‌طلبانه و ستمگرانه خود به حریم فردی تجاوز کند و غایت اصلی قوانین که فرد است فدای مصلحت و امیال سیاسی خود کند. پس با تدوین حقوق فردی و آزادی‌ها باید در جهت محدود کردن مرزهای عملکرد دولت بود تا اینکه فرد از عملکرد دولت‌ها در امان باشد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

ب) نظریه مقاومت: طبق این نظر در ترسیم حقوق و آزادی‌های عمومی هدف اصلی باید این باشد که افراد در مقابل قدرت دولت توانایی مقاومت داشته باشند. پس اصول حقوقی باید از عملکرد توسعه‌طلبانه و خودخواهانه دولت‌ها جلوگیری کند و در مقابل چنین عملکرد دولت‌ها مقاومت شود (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

ج) نظریه مشارکت: بر خلاف نظریه مقاومت آزادی فرد به معنای مقاومت در برابر قدرت نیست بلکه هر یک از افراد طبق یک قرارداد اجتماعی در حاکمیت قدرت سهیم می‌شوند یعنی هر یک از افراد سهم حاکمیت خود را به دولت می‌دهد و حکومت به صورت مظهر ملت جلوه‌گر می‌شود. پس طبق این نظر هر شهروند با مشارکت خود در تشکیل اراده عمومی و

واگذاری زمام امور به دست فرمانروا نقش دارد و در برابر این حاکمیت، اراده فردی بایستی فرمانبر باشند. در این نظریه جامعه بر افراد مقدم می‌باشد. در این نظریه از آنجا که دست دولت در کلیه امور باز می‌باشد می‌تواند به خودکامگی دولت منجر شود، بنابراین این نظریه به شدت از سوی لیبرال‌ها مورد انتقاد قرار گرفته است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۸: ۱۵۴).

د) نظریه آزادی واقعی: ایدئولوژی مارکسیستی مدعی بود که اکثریت افراد از وسایل مادی کافی بهره‌مند نیستند تا مانند سرمایه‌داران بتوانند از این آزادی و حقوق بهره‌مند شوند، بنابراین اعلامیه‌های حقوق فردی و آزادی‌ها بیشتر جنبه صوری دارند. آنان نظریه آزادی واقعی را مطرح کردند طبق این نظر فرصت‌های اقتصادی باید به صورت مساوی برای همه افراد وجود داشته باشد و فاصله طبقاتی از بین برود تا جامعه سوسیالیستی پایه‌ریزی شود و برابری و آزادی‌های عمومی برای همگان خود به خود فراهم شود (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۸: ۵۴).

ملاحظه می‌شود که در کشورهای مختلف، بر اساس اهداف مزبور و یا هدف‌های دیگر، حقوق و آزادی‌های فردی در قانون اساسی آنها منعکس می‌شود اعتقاد به این امر تا حدی است که هیچ کشوری جرأت انحراف از آن را به خود نمی‌دهد. در کشور ما نیز یک فصل از قانون اساسی به حقوق ملت اختصاص داده شده و حقوق و آزادی‌های اساسی افراد مورد ذکر و تأکید واقع شده است و این حقوق به خاطر، ماهیت فطری بودنشان به تمام انسان‌ها صرف‌نظر از تابعیتشان اعمال می‌گردد.

دوم: مهم‌ترین حقوق عمومی گردشگران خارجی

چنانکه گفته شد حقوق عمومی که به جهت برخورداری از مبنای فطری لازمه ذات انسان شناخته شده است، نمی‌تواند مختص به اشخاص مشخصی و یا مختص به افراد یک سرزمین خاص باشد. همه انسان‌ها در اصل آفرینش برابر و منشعب از منشأ واحدی هستند و عواملی مانند زبان، نژاد، قبیله و تابعیت صرفاً در شناسایی آنها از یکدیگر مؤثر می‌باشند و نمی‌توانند موجب تبعیض آنان در برخورداری از حقوق عمومی باشند. بنابراین در قانون اساسی کشور ما نیز به پیروی از این تفکر متعالی آن مقدار از حقوق و آزادی‌های عمومی که لازمه ذات انسان

بوده برای افراد انسانی به رسمیت شناخته شده است که این حقوق به خاطر، حیثیت انسانی بیگانگان در مورد آنان نیز به مرحله اجرا در می‌آید که اینک لازم است مهم‌ترین این حقوق در زیر مورد بررسی قرار بگیرد:

الف) حق حیات: حق حیات یا حق زندگی مهم‌ترین حق فطری و طبیعی انسان‌ها است و این حق اساس و پایه همه حقوق بشری به حساب می‌آید چرا که همه حقوق قائم به وجود انسان است و بدون وجود او حقی برای او متصور نیست. حق حیات در تمام مکاتب حقوقی مورد قبول است و اکثر آنها معتقدند تا زمانی که شخص مزاحم حیات اجتماعی دیگران نباشد باید از حمایت قانون برخوردار باشد. در این میان تنها مکتب فاشیسم و ماکیاولیسم است که کمال انسان را در تضاد و جنگ می‌بیند و تحمیل اراده بر دیگران و استثمار آنها را از حقوق طبیعی افراد یا گروه‌های قدرتمند می‌داند، چنانکه ماکیاول در کتاب «شهریار» خود می‌گوید: «برای حفظ قدرت یا کسب آن باید حیوانی عمل کرد ولی از آنجا که پادشاه باید بداند صفت حیوانی را چگونه باید عاقلانه بکار برد، پس لازم است از میان حیوانات، خصال شیر و طبیعت روباه را سرمشق قرار داد» (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۴: ۳۰۷-۳۰۸) در اسلام حق حیات از اهمیت بالایی برخوردار است و در قرآن کریم حمایت از این حق مورد تأکید جدید قرار گرفته است.^۲ که بنا بر آیات مزبور و به علت حمایت از حق حیات قانونگذار باید از حقوقی مانند: حق مسکن، امنیت و ... حمایت کند در غیر این صورت حق حیات و دیگر آزادی‌ها آسیب‌پذیر خواهد بود.

همچنین در مورد حق حیات ماده ۲ طرح اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب کنفرانس دول اسلامی (قاهره) چنین مقرر می‌دارد:

۲- در آیه ۳۲ از سوره مائده می‌فرماید: «هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند به قتل رساند مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده است» و در آیه ۳۳ از سوره الاسراء می‌فرماید: «هرگز نفس محترمی را که خدا قتل‌اش را حرام کرده نکشید مگر آنکه به حکم خدا مستحق قتل شود ...».

الف) زندگی موهبتی است الهی و حق است که برای هر انسانی تضمین گردد و برای همه افراد جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب) استفاده از هر وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد ممنوع است.

ج) پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جا که خداوند مشت نماید وظیفه شرعی می‌باشد» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۴۱).

به علاوه در مواد ۳، ۴ و ۵ و غیره اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق حیات و اهمیت آن مورد تأکید قرار گرفته است.

در مورد حق حیات نکته مهمی که قابل ذکر است، این است که همه فرهنگ‌های ملل با وجود همه اختلافات و تنوع‌ها در اهمیت و عظمت حیات اتفاق نظر دارند که این از اصول بنیادین همه فرهنگ‌های انسانی است (بسته‌نگار، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

کشورها نه تنها در قانون اساسی خود به حفظ این حق مهم تأکید دارند و یکی از اصول قانون اساسی را به آن اختصاص می‌دهند مانند کشور جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۲۲ مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصمون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند...» بلکه در قوانین عادی موضوعه ضمانت اجرای شدیدی برای آن در نظر می‌گیرند و در اعمال این مقررات فرقی بین تبعه و بیگانه قائل نمی‌شوند. کمالینکه قانونگذار ایران در قانون مجازات اسلامی در مواد گوناگون خود متعرضین به حیات انسان را قابل مجازات می‌داند اعم از اینکه مجنی علیه ایرانی یا یک شخص خارجی باشد.

ب) اصل آزادی: یکی از مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های عمومی، اصل آزادی است. با وجود اینکه حقوق‌دانان و قانونگذاران برای آزادی اهمیت ویژه‌ای قائل هستند، ولی در نوع تلقی از آزادی و معانی و حدود آن دیدگاه‌های مختلفی دارند که ریشه اصلی این اختلاف نظرها ناشی از اختلاف شناختی است که آنها از انسان دارند و هر یک از آنان بر اساس نوع نگرش خود به انسان در زمینه آزادی او اظهار نظر کرده‌اند. پس مشکل آنان در زمینه آزادی نیست زیرا در

کیفیت و ارزش آزادی برای بشریت و حتی حیوانات نیز مشکلی نیست بلکه مشکل عمده آنان در مورد انسان و چگونگی وجود اوست، مثلاً روسو انسان را پاک سرشت و آزاد تعریف می‌کند، هابز انسان را شرور و گرگ صفت می‌داند، مارکس انسان را جزو ماشین جبر جامعه می‌داند و بالاخره برخی انسان را مستحق زور و برخی او را شایسته حکومت می‌دانند. پس قضاوت‌های متفاوت و حتی بعضاً متناقض اندیشمندان در مورد انسان، اتفاق نظر آنان را در زمینه روابط اجتماعی و آزادی‌های فردی و اجتماعی بشر با مشکل مواجه کرده است (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۴: ۳۴۰). اما با توجه به هدف از آفرینش انسان‌ها که همان رسیدن به کمال است، هر آزادی که لازمه رسیدن و یا نزدیکی به کمال است برای انسان‌ها حق شمره می‌شود مشروط بر اینکه ضرر و زیانی به دیگران یا جامعه وارد نشود. از اینرو ساده‌ترین و منطقی‌ترین تعریف از آزادی این است که گفته شود: «آزادی عبارت از حقی است که به موجب آن افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خویش را جهت نیل به کمال به کار اندازند، مشروط بر اینکه آسیب و زیانی به دیگران وارد نسازند» (هاشمی، ۱۳۷۸: ۱۹۶).

ج) اصل امنیت: اصل امنیت فردی یکی دیگر از اصول مهم حقوق و آزادی‌های عمومی است. این اصل برای اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه در سال ۱۷۸۹ صراحتاً بیان شد، از جمله اهداف این اصل، جلوگیری از بازداشت‌های غیرقانونی و خودسرانه بوده است، البته حفظ امنیت فردی تنها بازداشت‌های غیرقانونی را در بر نمی‌گیرد بلکه جهت تضمین امنیت تدابیر دیگری نیز وجود دارند، از جمله این تدابیر، عطف به ماسبق نشدن قانون و اصل قانونی بودن جرم و مجازات بوده است (جنیدی، ۱۳۷۸: ۱۵).

در مورد اهمیت امنیت انسان‌ها، در دین اسلام تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) در عرفات در مورد امنیت انسان‌ها، چه امنیت جان و چه امنیت مال آنها و چه حفظ حرمت و آبروی آنها تأکید می‌کند. از مردم می‌پرسد، این ماه چه ماهی است؟ مردم می‌گویند: ماه حرام. پیامبر می‌فرماید: «خداوند تا هنگامی که پروردگارتان را دیدار کنید خون‌هایتان و اموالتان را همچون حرمت این ماهتان بر شما حرام کرده است» سپس می‌پرسد: اینجا چه سرزمینی است؟ مردم در جواب می‌گویند: سرزمین محترم، پیامبر می‌فرماید: «خون و مال شما به سان این سرزمین

محترم و هر نوع تجاوز به آنها ممنوع است. بار دیگر می‌پرسد، امروز چه روزی است؟ در جواب گفتند که روز حج اکبر است، پیامبر در جواب فرمودند: «خون و مال شما به سان امروز محترم می‌باشد. (بسته‌نگار، ۱۳۸۰: ۱۴۰)

امروز امنیت یکی از زیرساخت‌های اساسی صنعت گردشگری است که در کشور ما با برخی مشکلات روبرو است. اگر چه ضریب امنیت در ایران از اغلب همسایگان آن افزونتر است ولی با عواملی روبرو هستیم که در برنامه‌ریزی‌های گردشگری از مؤلفه‌های باز دارنده در سطح امنیت در ایران تلقی می‌شود که از جمله آنها عبارت هستند از:

۱- تلقی عمومی جهانیان از وضعیت داخلی ایران، که بعضاً همراه با تصوراتی از وجود خشونت‌های فراگیر و سازمان یافته است.

۲- برخورد خشونت آمیز با گردشگران خارجی، همانند گروگانگیری گردشگران در طی سال‌های گذشته با مقاصد سیاسی.

۳- وجود جناح‌های سیاسی ایدئولوژیک با تفکر افراطی و دید محدود از احکام و موازین اسلامی.

این عوامل و عوامل بازدارنده دیگر باعث ناامن تلقی شدن جامعه ایران از دید گردشگران خارجی گردیده است.

محدودیت‌های مذهبی و سیاسی گردشگران نیز از عوامل بازدارنده مهم به حساب می‌آید و گردشگران مطابق استانداردهای اروپایی آن‌را خشونت عنوان می‌کنند، به طوری که از نظر سنجی که در سال ۱۳۶۹ از شهروندان اروپایی شده است نشان می‌دهد که از هر ۱۰ شهروند هشت نفر گفته بودند، اولین کلمه‌ای که پس از شنیدن نام ایران به خاطر می‌آورند کلمه «ترور» است، اما نظر سنجی اخیر نشان می‌دهد که ۹۸ درصد، ایران را امن و تا حدودی امن دانسته‌اند و ۲ درصد نیز ایران را دچار مشکلات امنیتی دانسته‌اند و ۱۰ درصد نیز ایران را در شمار کشورهای ناامن محسوب داشته‌اند. البته این گروه عدم امنیت را بیشتر به عنوان تعریفی برای برخی محدودیت‌های اجتماعی ذکر کرده‌اند.

لازم به ذکر است که تأمین امنیت گردشگران توسط دولت‌ها در بیانیه صلح از طریق جهانگردی در امان پایتخت اردن تأکید شده و مقرر گردیده است که دولت‌ها باید ضمن تأمین امنیت گردشگران آنان را در برابر هرگونه تهدید جانی و مالی مورد حمایت قانونی قرار داده و امکانات و تسهیلات لازم را برای مسافرت گردشگران فراهم آورند (دفتر بازاریابی و امور بین‌الملل سازمان ایرانگردی و جهانگردی، ۱۳۸۰: ۸۲).

تدابیر لازم در جهت تأمین امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اتخاذ گردیده است از جمله عدم دستگیری اشخاص بدون حکم، عدم ممنوعیت اقامت در محل مورد علاقه شخص، حق دادخواهی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی و غیره در اصول سی و دوم، سی و سوم، سی و چهارم، سی و ششم و یکصد و شصت و نهم پیش‌بینی شده است.

د) آزادی رفت و آمد: این آزادی نیز یکی از مهم‌ترین حقوق و آزادی‌های عمومی برای بشر به حساب می‌آید. مطابق این اصل، هر کس حق دارد در داخل کشور خود آزادانه عبور و مرور کند و حتی از آن کشور خارج شده و یا به آن کشور برگردد. بنابراین اصل هیچ کشوری نمی‌تواند مرزهای خود را به روی اتباع خود ببندد که افراد نتوانند از کشور خارج شوند و یا دوباره به آن برگردند.

در مورد بیگانگان نیز آزادی ورود و خروج در قوانین کشورها به تبعیت از اصول ناشی از انقلاب کبیر فرانسه به رسمیت شناخته شده است. در حقیقت می‌توان انقلاب کبیر فرانسه را عامل اساسی شناخت اصل آزادی ورود اقامت بیگانگان و همچنین اصل شناختن حداقل حقوق برای بیگانگان دانست (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۹۳)، البته در پذیرش این اصل اتفاق نظر وجود ندارد و برخی با انکار این اصل اعتقاد به اصل آزادی تصمیم دولت‌ها دارند. به طور کلی می‌توان در مورد ورود گردشگران خارجی به کشور سه نظر به شرح زیر را مطرح کرد:

۱ - نظریه آزادی ورود گردشگران به کشور: طبق این نظریه دولت‌ها نمی‌توانند از ورود گردشگران به کشور خود جلوگیری کنند و یا محدودیتی در این زمینه اعمال نمایند (نصیری، ۱۳۷۲: ۱۰۶) مطابق این عقیده ورود گردشگران به کشوری از حقوق اساسی اوست و این حق

یک حق بین‌المللی است و پذیرش آن از طرف کشور مقصد یک تکلیف قلمداد می‌شود. این نظریه منبعث از اعلامیه حقوق بشر فرانسه بعد از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ می‌باشد. علیرغم اینکه این نظریه آسایش و امنیت فردی را بیشتر تأمین می‌کند و با هدف علم حقوق هم مطابق است اما هنوز افکار جامعه جهانی به دلایلی مانند امنیت کشورها و اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و غیره آمادگی پذیرش این نظریه را ندارند و در حقوق داخلی خود آن را مورد پذیرش قرار نداده‌اند (مجتهدی، ۱۳۷۵: ۸۹).

۲- نظریه محدودیت در ورود گردشگران به کشور: طبق این نظریه به دولت‌ها باید حق داد که مرزهای خود را به روی خارجی‌ان ببندند، چرا که امروزه مسئله ورود، عبور، اقامت و خروج خارجی در هر کشوری با امنیت و نظام سیاسی آن کشور ارتباط مستقیم دارد، بنابراین نمی‌توان ورود گردشگران را به کشور آزاد گذاشت. چنانچه در ایران این نظریه خصوصاً پس از انقلاب اسلامی پررنگ‌تر شد، عده‌ای که قائل به محدودیت شدید در ورود خارجی‌ان به عناوینی مانند گردشگر، خبرنگار بودند معتقد بودند که با ورود هر خارجی به کشور لطماتی به انقلاب وارد می‌شود و این نظریه به علت وضعیت خاص و نابسامان کشور مورد پذیرش اکثریت قرار گرفت (معاونت سیاحتی و زیارتی، بی‌تا، ۳)

۳- نظریه آزادی ورود گردشگران با رعایت مصالح کشور: این نظریه از طرف موسسه حقوق بین‌الملل که در سال ۱۹۲۸ میلادی در ژنو تشکیل گردید، مطرح شد. مطابق این نظریه هر چند اصل بر آزادی ورود و اقامت بیگانه است ولی این اصل به طور مطلق و بدون قید و شرط نمی‌تواند از طرف دولت‌ها قبول شود زیرا هر دولتی باید تا حدودی به اصول بین‌المللی احترام بگذارد که به امنیت و نظم عمومی جامعه خود لطمه‌ای وارد ننماید و چون نظم عمومی هر جامعه‌ای با جامعه دیگر متفاوت است لذا این قیود و شروط و محدودیت‌ها در همه کشورها یکسان نیست. البته حقوق‌دانان موسسه حقوق بین‌الملل در همان موقع اضافه کرده‌اند که مروت و عدالت اقتضاء می‌کند که دولت‌ها از این اختیار سوء استفاده نمایند و آزادی ورود و اقامت بیگانه را در مواردی محدود کنند که واقعاً خطری برای حیات سیاسی کشور قابل پیش‌بینی باشد (نصیری، ۱۳۷۲: ۱۰۶).

آنچه به عنوان رویه بین‌المللی در اغلب کشورها پذیرفته شده است، نظریه اخیر است یعنی ورود و اقامت بیگانگان در کشور اصولاً آزاد می‌باشد ولی برای دولت‌ها همیشه این حق محفوظ است که برای حفظ مصالح اتباع خود و مقتضیات نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی خود شرایط خاص و یا محدودیت‌هایی را برای ورود و عبور و اقامت بیگانگان وضع و اعمال نمایند (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

در حقوق ایران، به پیروی از اصول انقلاب کبیر فرانسه و رویه بین‌المللی، اصل آزادی ورود و اقامت گردشگران با رعایت شرایط و مقرراتی پذیرفته شده است و قانونگذار در سال ۱۳۱۰ با تصویب قانونی موسوم به «قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران» شرایط و حدود اعمال اصل آزادی ورود و اقامت بیگانگان را تحت نظم در آورد که در حال حاضر قانون مزبور با اصلاحاتی که بعداً در سال ۱۳۳۶ در آن به عمل آمد و نیز با الحاقات مربوط به آن در سال ۱۳۵۰ اجرا می‌گردد.

ه) **حق مسکن و احترام به زندگی خصوصی افراد:** از نظر اسلام جهان خانه همه انسان‌ها و نعمت‌های موجود در آن ابزار زندگی همه آنها است و هر کس به قدر سعی و تلاش خود حق تصرف دارد و کسی نمی‌تواند متعرض آن شود.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ما زمین را برای شما انسان‌ها رام کردیم تا از مواهب آن در جهت رشد و ادامه حیات خود استفاده کنید» این آیه خود تأکیدی بر حق مسکن همه انسان‌ها و احترام به آن است، پس مکتب اسلام کوچک‌ترین تجاوز به حریم هم نوع خویش را گناهی بزرگ و سقوط از محضر لطف خدا و نعمت بهشت می‌داند و بر عکس خدمت به خلق خدا و هموعان را نشانه کمال و سعادت می‌داند و نیز قرآن کریم در مورد مصونیت محل سکونت افراد در آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور تأکید می‌کند که «ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس ندارید، وارد نشوید و چون رخصت یافته، داخل شوید، به اهل آن خانه نخست سلام کنید، شما را بهتر است که متذکر شوید و اگر به خانه کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یافته، آنگاه در آید و چون به خانه وی در آمدید

و گفتند برگردید، بازگردید که این بر تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می‌کنید داناست.»

مطابق اصل ۲۲ و ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز مطابق ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که کشور ایران نیز به آن ملحق گردیده است، افراد در انتخاب محل سکونت آزاد هستند و هیچکس را نمی‌توان مجبور به سکونت در محل معینی کرد. از طرف دیگر مسکن افراد مصون از تعرض است یعنی کسی حق ندارد بدون اجازه صاحب خانه وارد آن شود و تنها مأموران دولتی حق ورود به منزل و تفحص آن را آن هم به شرط داشتن مجوز لازم از طرف مرجع قضایی دارند (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۲۲۲) پس گردشگران باید در انتخاب محل سکونت موقت آزادی داشته باشند. این آزادی نتیجه امنیت شخصی گردشگران است. همین‌طور هیچکس حق ندارد در زندگی خصوصی گردشگران دخالت نماید و باید آنان از نظر وضعیت خانوادگی و ... در مصونیت باشند. چنانکه ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره) در این باره می‌گوید: «الف) هر انسانی می‌تواند که نسبت به جان، دین، خانواده و ناموس و مال خویش در آسودگی زندگی کند. ب) هر انسانی حق دارد در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن، خانواده، ... مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد ... باید او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این مورد حمایت شود، ج) مسکن در هر حال حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد و ...» (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۲، ۴۹).

و) **حق دادخواهی و آزادی دفاع:** حق دادخواهی و آزادی دفاع یکی از حقوق عمومی مهم بشری است، آزادی دادخواهی اقتضاء می‌کند که هر فردی اگر چه خارجی باشد بدون هیچگونه تبعیض بتواند به دادگاه کشور محل حضور جهت دادخواهی مراجعه کند و این دادخواهی هم باید رایگان و به راحتی قابل دسترس باشد و نیز هر کس حق دارد آزادانه از اتهامی که علیه او مطرح شده دفاع کند.

بر اساس اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که مقرر می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید...»

« و همچنین اصل ۳۵ همین قانون که مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. کلیه بیگانگانی که با مجوز قانونی وارد کشور می‌شوند می‌توانند برای احقاق حقوق یا دفاع از خود به عنوان خواهان یا شاکی و یا خوانده یا متشکی عنه به مراجع قضایی و محاکم ذیصلاح کشور مراجعه کنند و نیز برای خود وکیل انتخاب نمایند (نصیری، ۱۳۷۰: ۳۶۲).

حق دادخواهی امروزه به عنوان یک رویه بین‌المللی مورد پذیرش تمام کشورها قرار گرفته است. زیرا از یک طرف حاکمیت کشورها شناسایی چنین حقوقی را اقتضاء می‌کند و نتیجه عدم شناسایی این حق ترویج انتقامجویی و محاکمه شخصی در جامعه و برهم خوردن نظم جامعه می‌باشد که با وظیفه حاکمیتی کشورها منافات دارد از طرف دیگر شناسایی حق دادخواهی لازمه برخورداری بیگانگان از حقوق اساسی انسانی مانند؛ حق حیات، حق احترام مسکن و امنیت و ... که وظیفه کشورها در صیانت از آن حقوق است، می‌باشد (صفایی، ۱۳۷۴: ۱۷۴-۱۷۵) پس امروزه امنیت قضایی جزئی از امنیت ملی به حساب می‌آید و اساس و پایه تمدن بشری را تشکیل می‌دهد و یکی از مشخصه‌های اصلی جوامع پیشرفته تلقی می‌گردد. به منظور تأمین و رعایت حق دادخواهی و آزادی دفاع باید اصول و قواعدی رعایت شود که از جمله آنها عبارت از اصل برائت، علنی بودن دادرسی، مدلل بودن و موجه بودن حکم دادگاه، حق داشتن وکیل در دعاوی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، منع شکنجه، عدم هتک حرمت شخص دستگیر شده و جبران زیان ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی می‌باشد (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۷۳). این قواعد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ۳۷، ۱۶۵، ۱۶۶، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹ و ۱۷۱ به صراحت پیش‌بینی گردیده است.

برای جلوگیری از سوء استفاده از حق دادخواهی و جبران ضرر ناشی از سوء استفاده از حق مزبور، قانونگذار در مواد ۱۴۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مکانیزم تودیع وجه‌الضمان را پیش‌بینی کرده است و رسیدگی به دعوی بیگانه را منوط به دادن تأمین مناسب نموده است که این ماده مقرر می‌دارد: «اتباع دولت‌های خارجی، چه خواهان اصلی باشند و یا

به عنوان شخص ثالث وارد دعوی می‌گردند، بنا به درخواست طرف دعوی، برای تأدیه خساراتی که ممکن است بابت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله به آن محکوم گردند باید تأمین مناسب بسپارند در خواست اخذ تأمین فقط از خوانده تبعه ایران و تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می‌شود».

بر این اساس چنانچه خواهان دعوی بیگانه باشد تأمینی از وی مطالبه می‌شود در حالی که اگر خواهان دعوی ایرانی باشد بیگانه نمی‌تواند از وی درخواست اخذ تأمین کند. دلیل این امر واضح است زیرا ممکن است تبعه خارجی دعوایی واهی و بی‌اساس علیه تبعه ایرانی طرح نموده و پس از محکومیت، خوانده ایرانی نتواند به علت عدم دسترسی به خواهان خارجی یا اموال وی، خسارات وارده به خود را جبران نماید. (واحدی، ۱۳۷۷: ۱۴۰-۱۴۱).

البته حکم مقرر در ماده ۱۴۴ مطلق نبوده و شامل هر گونه دعاوی مطروحه از طرف بیگانگان نمی‌شود و در برخی دعاوی بنا به جهاتی از جمله شرط رفتار متقابل، حفظ اعتبار اسناد تجاری و اسناد رسمی از پرداخت وجه‌الضمان و دادن تأمین معاف می‌باشند. این معافیت‌ها در ماده ۱۴۵ قانون مزبور به ترتیب زیر مقرر گردیده است: «در موارد زیر اتباع بیگانه اگر خواهان باشند از دادن تأمین معاف هستند.

۱- در کشور متبوع وی، اتباع ایرانی از دادن چنین تأمین معاف باشند.

۲- دعاوی راجع به برات، سفته و چک

۳- دعاوی متقابل

۴- دعاوی که مستند به سند رسمی است.

۵- دعاوی که بر اثر آگهی رسمی اقامه می‌شود از قبیل اعتراض به ثبت و دعاوی علیه متوقف».

ز) **حق کرامت انسانی:** خداوند متعال در قران کریم انسان را موجودی با کرامت معرفی می‌کند و این موهبت الهی به صورت یکسان در وجود همه نوع بشری به ودیعه گذاشته شده است، در این مورد در آیه ۷۰ از سوره الاسراء می‌فرماید: «و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی

داشتیم و آنها را به مرکب بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم».

از این آیه به وضوح بر می‌آید که خداوند نوع انسان را بر دیگر موجودات جهان برتری داده است و بر همین اساس همه انسان‌ها باید کرامت و حیثیت را برای همدیگر به عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق مکلف ببینند. بر اساس این تفکر یعنی ذاتی بودن کرامت انسانی که ناشی از وجود روح خداوند در انسان است همه نظام‌های حقوقی و اخلاقی کرامت ذاتی را بر همه انسان‌ها به رسمیت شناخته‌اند و رعایت این حق را لازم می‌شمارند (بسته‌نگار، ۱۳۸۰: ۱۹۶). اعتقاد بر این است که تا زمانی که انسان با اختیار خود با ارتکاب جنایتی یا جنایاتی علیه خود یا دیگران، آن‌را از خود سلب نکند از این صفت شریف برخوردار است.

برای نیل به این هدف اصل ۳۵ در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل برائت را به رسمیت شناخته شده است و در اصل ۳۹ مقرر گردیده است که «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». نتیجه:

از مطالب پیش گفته این نتیجه به دست می‌آید که حق گردشگری به عنوان یکی از حقوق اساسی و فطری بشر بوده که از ذات او جدا نشدنی است و در قرآن کریم برای برخورداری انسان‌ها از آن تأکید گردیده و اسناد بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی نیز آن را به عنوان یک حق برای انسان‌ها به رسمیت شناخته‌اند و کشورها نیز بایستی در قوانین داخلی خود آن‌را به رسمیت شناخته و با تدوین مقرراتی زمینه اجرای آن حق را فراهم سازند.

در کشور ما نیز این حق از مبانی نظری و قانونی استواری برخوردار بوده و هیچ تردیدی در شناسایی این حق برای اتباع بیگانه وجود ندارد و در راستای اجرای این حق، حقوق و آزادی‌های اساسی از جمله حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از امنیت، حق آزادی ورود و اقامت، حق مسکن و احترام به زندگی خصوصی، حق دادخواهی و آزادی دفاع و حق کرامت انسانی برای گردشگران به رسمیت شناخته است.

این حقوق به عنوان حداقل حقوقی است که یک انسان از جمله بیگانه باید از آن برخوردار باشند ولی آیا صرف شناختن حداقل حقوق برای بیگانه موجبات ترغیب آنان را برای حضور در کشور ایران فراهم می‌کند؟ باید گفت که جذب گردشگر و توسعه گردشگری به عنوان یک صنعت، با شناختن حداقل حقوق برای گردشگران خارجی قابل تحقق نیست و لازمه توسعه چنین صنعتی وضع قوانین و مقررات ویژه برای حمایت از گردشگری و شناختن حقوق ویژه برای گردشگران و حتی اعطای امتیاز به آنان می‌باشد.

منابع

- ۱- ابراهیمی، س ن، (۱۳۸۲)، «حقوق بین‌الملل خصوصی»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- ۲- ابوالحمد، ع، (۱۳۶۸)، «مبانی علم سیاست»، موسسه انتشار و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳- ارفع‌نیا، ب، (۱۳۶۹)، «حقوق بین‌الملل خصوصی»، چاپ مروی.
- ۴- امور بین‌الملل معاونت سیاحتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۷۶)، «امنیت و ایمنی در جهانگردی بین‌المللی»، ترجمه علیرضا ارشادی، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۵- بسته‌نگار، م، (۱۳۸۰)، «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، شرکت سهامی انتشار.
- ۶- توکلی طبسی، ع، (۱۳۸۳)، «حقوق بشر و حقوق بشردوستانه»، ناشر یاس نبی.
- ۷- جنیدی، ف، (۱۳۷۸)، «حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان»، نشر بلاغ وابسته به بنیاد نیشابور.
- ۸- دفتر بازاریابی و امور بین‌الملل سازمان ایرانگردی و جهانگردی، (۱۳۸۰)، «سلسله سخنرانی‌های اجلاس بین‌المللی جهانگردی، صلح و گفتگوی تمدن‌ها»، نشر موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- ۹- صفایی، س ح، (۱۳۷۴)، «مباحثی از حقوق بین‌الملل خصوصی»، نشر میزان.
- ۱۰- ضیایی بیگدلی، م، (۱۳۷۸)، «حقوق بین‌الملل عمومی»، انتشارات گنج دانش.
- ۱۱- طباطبایی مؤتمنی، م، (۱۳۸۲)، «آزادی‌های عمومی و حقوق بشر»، موسسه انتشار و چاپ دانشگاه تهران.
- ۱۲- قاضی شریعت‌پناهی، ا، (۱۳۷۸)، «بایسته‌های حقوق اساسی»، نشر دادگستر.
- ۱۳- مایکل‌هال، ک، (۱۳۷۷)، «درآمدی بر صنعت جهانگردی»، ترجمه عباس اردکانیان و محمدرضا حبیبی، انتشارات ارمغان.

- ۱۴- مجتهدی، م، (۱۳۷۵)، «*مروری در حق بین‌المللی سیاحت*»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، سال دوم شماره مسلسل ۳.
- ۱۵- معاونت سیاحتی و زیارتی سازمان ایرانگردی و جهانگردی، (بی‌تا)، «*روادید و توریسم*»، گزارش تحقیقی ۵.
- ۱۶- منصوری لاریجانی، ا، (۱۳۷۴)، «*سیر تحول حقوق بشر و بررسی تطبیقی آن با اصول تفسیری حقوق بشر در اسلام*»، انتشارات تابان.
- ۱۷- نصیری، م، (۱۳۷۲)، «*حقوق بین‌الملل خصوصی*»، انتشارات آگاه.
- ۱۸- نصیری، م، (۱۳۷۰)، «*حقوق چند ملیتی*»، نشر دانش امروز.
- ۱۹- واحدی، ق، (۱۳۷۷)، «*آیین دادرسی مدنی*»، نشر میزان، جلد سوم.
- ۲۰- هاشمی، س. م، (۱۳۷۸)، «*حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*»، نشر دادگستر، ج اول.
- 21- Brownlie, I, (1990), "*Principle of public international law*", Oxford University Press.
- 22- Boven, TH.G.Van, (1988), "*Distinguishing criteria of human rights in the International dimensions of human rights*", Martinus Nijhoff publishers.
- 23- Hudson, M.O, (1983), "*Charter provision on human right in American law*", A.J.I.L.
- 24- Wallace, Rebecca, (1988), "*International Law*", London Sweet and Maxwell.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.